

نام کتاب: تربیت از دیدگاه امام
سجاد علیه السلام

نویسنده: همت بناری، علی

تربیت از دیدگاه امام سجاد علیه السلام⁽¹⁾

اشاره

امام ساجدان علی بن الحسین (ع) در رساله جامع حقوقی خود، که سند پر افتخار و گران سنگ معارف ناب شیعی است، به بیان حقوق مختلفی که بر عهده فرد مسلمان است، می پردازد. آن بزرگوار حقوق فرزندان و خردسالان را در کانون توجه خویش قرار داده، والدین را با مسؤلیت خطیرشان آشنا می سازد. حساسیت و ظرافت موضوع، امام ساجدان را بر آن داشت تا در منشور حقوقی اش دو بخش را، با عنوان های «حق الولد» و «حق الصغیر»، به حقوق فرزندان و خردسالان اختصاص داده، راهنمای تربیتی والدین باشد و شیوه های مطمئن و ره توشه های تربیتی ماندگار را فرا روی آنان قرار دهد. این مقاله بر آن است تا، ضمن نقل متن کلام نورانی امام (ع) در دو بخش «حق الوالد» و «حق خردسال»، در حد بضاعت نگارنده به توضیح و تبیین آن بپردازد.

حق فرزند

اشاره

«و اما حق الولدك فتعلم انه منك و مضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره و شره و انك مسئول عما وليته من حسن الادب و الدلالة علي ربه و المعونة له علي طاعته فيك و في نفسه فمثاب علي ذلك و معاقب، فافعل في امره عمل المتزين بحسن اثره عليه في عاجل الدنيا المعذر الي ربه فيما بينك و بينه بحسن القيام عليه و الاخذ منه و لاقوة الا بالله.» اين سخن حاوي نيمات مهم تربيتي است كه به برخي از آنها اشاره ميشود:

فرزند، پاره تن انسان

فتعلم انه منك... امام سجاد(ع) در اين بخش از سخنانش فرزند را جزئي از وجود انسان و پاره تن او ميخواند. بديهي است كه انسان، بطور فطري، خود و اشيا و امور وابسته به خود را دوست دارد، در راه نگهداري اش فداكاري ميكند و در مسير رشد و تعالي اش ميكوشد. اين حقيقت كه فرزند وابسته به انسان جزئي از وجود اوست، مسؤليت سنگين والدين و لزوم عنايت پيوسته به تربيت و رشد فرزندان را يادآوري ميكند.

فرزندان مایه افتخار یا ذلت والدین

... **ومضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره وشره** کودکان پاک و معصومند و سرزمین وجودشان آماده افشاندن هر بذری است. والدین می‌توانند باغبانانی دلسوز و با تدبیر باشند و دشت حاصل خیز وجود فرزندان را به باغستانی سرسبز و بارور تبدیل کنند یا در شمار کشاورزان ناآگاه و بی‌تجربه جای گرفته، در سرزمین وجود فرزندان خارهای آزاردهنده کشت کنند. البته ثمره تلخ و شیرین فرزندان، سرانجام به والدین می‌رسد. اگر فرزندان نیک باشند، مایه نیکنامی و افتخار والدین می‌شوند و اگر درست تربیت نشوند، مایه خواری و بدنامی آنان خواهند بود. آری، چه بسیار والدینی که سالها پیش بدرود حیات گفتند، ولی به سبب فرزندان یادگاران صالح و شایسته، همچنان نامشان زنده و یادشان گرامی است و ندای «خدایش پیامرزد» مؤمنان هدیه روحشان است. در مقابل گروهی از والدین، به خاطر فرزندان زشت کردارشان مورد خشم و نفرت دیگران قرار گرفته‌اند و نفرین مردم پیوسته بدرقه راهشان. بدین جهت امام (ع) در آغاز سخنش می‌فرماید: **«فرزند انسان جزئی از وجود اوست و خیر و شرش با وی گره خورده است.»** این هشدار به والدین است که اگر برای تربیت فرزندان اهمیت قائل نیستند و اگر آینده فرزندان را نمی‌خواهند، دست کم به نیک نامی خویش بیندیشند.

مسئولیت والدین

... **وانك مسئول عما وليته**. فرزندان ودیعه‌های الهی و از بزرگترین نعمتهای پروردگارانند. آنان صفابخش لحظه‌های زندگی و مایه طراوت، شادابی و آرامش کانون خانواده‌اند. والدین در برابر این ودیعه‌ها و نعمتهای الهی باید هم سپاسگزار باشند و هم احساس مسئولیت کنند. شکر نعمت فرزندان، درست انجام دادن وظیفه بزرگ و سنگین تربیت است. آنها خواسته یا ناخواسته این مسئولیت بزرگ را بر دوش دارند و ضروری است که، ضمن باور کردن این مسئولیت و اهمیت والایش، جهت انجام دادن درست آن، خود را به ابزار لازم مجهز کنند و با استعانت از خدای منان و عزمی راسخ آن را به انجام رسانند.

محورهای مسئولیت

در کلام نورانی امام (ع)، والدین نه تنها مسئول تربیت فرزندانشان شمرده شده‌اند، بلکه محورهای مسئولیت آنان نیز مشخص شده است. این محورها عبارت است از:

- 1 - ادب نیکو (**من حسن الادب**) 2 - خداشناسی (**والدلالة علي ربه**) 3 - اطاعت خداوند (**والمعونة علي طاعته**) والدین باید در این سه محور (اخلاق، اعتقادات و پیروی عملی از شرع مقدس) انجام وظیفه کنند. مسئولیت آنان تنها تأمین غذا، مسکن و بهداشت جسمانی نیست. آنها، پیش از آنکه مسئول تأمین سلامت جسمانی و تأمین معیشت فرزندان باشند، مسئولیت تأمین سلامت اخلاقی و اعتقادی و عملی آنها را بر عهده دارند.

شیوه ایفای مسؤولیت

... **فیک و فی نفسه**. به نظر می‌رسد که دو کلمه «**فیک** و **فی نفسه**» در کلام حضرت به روش اجرایی مسؤولیت والدین اشاره می‌کند. بدین بیان که «**فیک**» به بعد الگویی عملی والدین و «**فی نفسه**» به تلاش خود فرزند اشاره دارد که البته آن هم در سایه هدایت و کمک والدین به دست می‌آید. شیوه الگویی از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیت است و ائمه اطهار: اغلب در تربیت فرزندان از این شیوه بهره می‌بردند؛ یعنی خود الگویی کامل برای فرزندان بودند و با عمل و رفتار خویش آنها را تربیت می‌کردند. البته، در کنار پدید آوردن الگویی عملی، باید زمینه را فراهم ساخت تا فرزند، خود نیز تلاش کند؛ در پی سعادت خویش برآید؛ در مسیر تربیت گام بردارد و پیوسته به حمایت والدین وابسته نباشد. در این مرحله، وظیفه والدین هدایت، نظارت و بستر سازی برای تعلیم و تربیت خود جوش است.

پاداش و کیفر مسؤولیت

... **فمثاب علی ذالک و معاقب**. مسؤولیت داشتن آثاری دارد. اگر به درستی انجام شود؛ فرد سزاوار پاداش و تشویق است؛ و اگر در ایفای آن کوتاهی شود، فرد استحقاق تنبیه و کیفر می‌یابد. اگر والدین مسؤولیت خود را درست انجام دهند، شایسته پاداش الهی می‌شوند؛ و اگر کوتاهی کنند، کیفر در انتظارشان خواهد بود.

نمایاندن آثار اعمال نیک به فرزند

... فاعمل في امره عمل المتزين بحسن اثره عليه في عاجل الدنيا. بزرگ جلوه دادن کار نیک فرزند و نشان دادن اثر اعمال نیک کودک به او از اقدامات مؤثر تربیتی شمرده می‌شود. بزرگ کردن کار خوب فرزند نوعی تشویق معنوی است، سبب ایجاد و تقویت انگیزه می‌شود و او را برای انجام دادن کارهای بزرگتر و بهتر آماده می‌سازد. والدین نباید از کنار کار خوب فرزند، هر چند در نظر آنان کوچک و ناچیز باشد، با بی‌توجهی بگذرند؛ بلکه بجاست آنان را به خاطر کار خوب تشویق کنند، کردارشان را زینت دهند و بزرگ بنمایانند. افزون بر این، شایسته است آثار کارهای خوب فرزندانشان را برای آنان ترسیم کنند و به زیبایی نمایش دهند؛ چرا که آنان، با دیدن آثار اعمالشان، اعتماد به نفس بیشتر می‌یابند و خود را برای انجام دادن کارهای بزرگتر توانا می‌بینند.

نظارت بر رفتار فرزند

... بحسن القيام عليه. بی‌تفاوتی و غفلت از رشد و هدایت فرزند در زندگی آثاری جبران ناپذیر دارد. فرزند انسان نونهالی است که به باغبانی دلسوز و با درایت نیازمند است تا از او مراقبت کند؛ بویژه امروز که در اثر تهاجم فرهنگی زمینه‌های انحراف نوجوانان و جوانان آماده‌تر است و دشمنان هدایت و تربیت، برای صید آنان دام‌های رنگارنگ گسترانیده‌اند. در این موقعیت، نظارت و مراقبت از فرزندان ضرورت مضاعف

یافته، مسؤولیت سنگین‌تر می‌شود و انجام دادن وظیفه تلاش بیشتر می‌جوید.

بهره‌گیری از استعدادهاي فرزند در تربیت

... **والاخذ منه**. انسان اشرف مخلوقات است و استعداد رسیدن به رفیعت‌ترین قله‌های انسانیت را دارد. خداوند استعدادهایی در وجود انسان به ودیعه گذاشت تا در پرتو پرورش صحیح شکوفا شود. علاوه بر استعدادهاي فطري و مشترك، که در همه انسانها وجود دارد، هر فرد نیز از توانایی‌هایی ویژه برخوردار است که ضروری است در پرتو دقت و نظارت والدین و معلمان و مربیان بخوبی شناسایی و حمایت شود تا به رشد و شکوفایی برسد، در سایه آن، راه طولانی تربیت سریعتر پیموده شود و تربیت فرزند آسانتر انجام گیرد.

استمداد از پروردگار در تربیت

... **ولا قوة الا بالله**. تربیت آسان نیست، بلکه ظریف، دقیق و پیچیده است. انسان ماشین نیست تا به سادگی راه اندازی شود. علم بشر، با همه پیشرفتی که دارد، هنوز در شناخت رموز ابعاد وجودی انسان توفیق کامل نیافته است. بنابراین، در امر ظریف تربیت، همراه با تلاش خستگی ناپذیر و پیوسته، همواره باید از آفریدگار یاری خواست. بدین سبب، امام عارفان و سید ساجدان در پایان این نسخه تربیتی فرموده است: **ولا قوة الا بالله**.

حق خردسال

اشاره

«واما حق الصغير فرحمته و تثقيفه و تعليمه و العفو عنه و الستر عليه و الرفق به و المعونة له و الستر علي جرائمه فانه سبب للتوبة و المداراة له و ترك مماحكته فانه ادني لرشده.»

مهرباني

كودك رواني لطيف و ظريف دارد؛ رواني كه جز مهرباني برنمي‌تابد. او ظرفيت عتاب و تندي ندارد و زود مي‌رنجد و مي‌گريد. آري، مهرباني ضروري ترين نياز كودك است. بدین جهت، امام سجاد (ع) آن را اولین حق كودك برمي‌شمرد و بر حق تربيت و تعليم مقدم داشت. این بدان معناست كه كودك، پیش از نشستن در كلاس تربيت و تعليم، باید نسیم خوش مهرباني و عطوفت را تجربه کند؛ اقلیم وجودش از بوي خوش مهرباني عطرآگین گردد و حتي آموزش نیز باید در پرتو مهرباني و عطوفت به انجام رسد. جالب آن است كه در نسخه شيخ صدوق عبارت «فرحمته في تعليمه» به چشم مي‌خورد كه تصريح بدین امر است. بدین سان، در مي‌يابيم كه آموزش، بویژه در دوره ابتدایی، باید با مهرباني و محبت همراه باشد. این اصلي اساسي و اجتناب ناپذیر است.

تربیت کودک

... و تثقیفه. اساسی‌ترین و ضروری‌ترین حق فرزند و خردسال تربیت اخلاقی و معنوی اوست. تربیت با اهمیت‌ترین هدف و بلکه هدف همه تعالیم و معارف اسلامی است. زندگی انسان مسلمان در پرتو تربیت اسلامی معنا پیدا می‌کند و ارج و ارزش انسان به تربیت معنوی و اخلاقی اوست. وگرنه، به فرموده قرآن، مانند حیوان و بلکه از آن هم پست تر خواهد بود. اهمیت والای تربیت، وظیفه والدین را صد چندان می‌کند. آنان که در حیات تربیتی فرزندان اولین نقش را بر جای می‌نهند، نخستین و اساسی‌ترین وظیفه را نیز به عهده دارند و ضروری است بیش از هر حق دیگری بدین حق اساسی کودک توجه کرده، در انجام دادن درست آن از هیچ کوششی دریغ نکنند.

تعلیم و آموزش کودک

... و تعلیمه. از دیگر حقوق مهم فرزند سوادآموزی و فراگیری دانش است. اهمیت سوادآموزی و دانش به توضیح و تأکید نیاز ندارد. پر واضح است، سعادت هرگونه که تفسیر شود، دانش آموختن اولین و اساسی‌ترین گام رسیدن به آن است. اگر کسی سعادت را صرفاً رفاه مادی و آسایش دنیوی معنا کند، دانش آموختن گام نخست در تحصیل آن است و اگر آن را در قرب الهی و بندگی خداوند جستجو کند که حق همین است باز هم دانش و معرفت از مطمئن‌ترین راههای وصول بدان شمرده می‌شود. دانش کلید حل بسیاری از مشکلات و ابزار دستیابی به بسیاری از مصالح و منافع مادی و معنوی است. بر والدین، که در

برابر سعادت فرزندانشان مسؤولند؛ ضروري است تا زمينه تحقق اين حق مهم را برايشان فراهم سازند و آنان را از نعمت سواد و دانش بهره‌مند گردانند.

عفو

...والعفو عنه. زمينه خطا و اشتباه در اعمال و رفتار كودك بسيار است. آنان در ابتدائي مسير رشد هستند، نه رشد بدني كافي يافته‌اند و نه عقل و تدبيرشان به حد كمال رسيده است. بنا بر اين، امكان هر نوع لغزش و خطا در رفتار و گفتارشان وجود دارد. والدين و بزرگسالان بايد اين واقعيّت را بپذيرند كه كودكانشان انسانهاي كوچكي بيش نيستند و انتظار بزرگان از آنان داشتن خطاست. پس بجاست كه از خطاهاي آنان با كرامت و بزرگواري درگذرند و پوزش آنان را براحتي بپذيرند.

خطا پوشي و تغافل

والستر عليه... والستر علي جرائر حدائته فانه سبب للتوبة. چنانكه بيان شده، در كودكان و نوجوانان، به خاطر عدم رشد كامل عقلائي، زمينه لغزش بسيار است و اشتباه و تقصير در اعمال و رفتارشان دور از انتظار نيست. واكنش والدين و بزرگترها، در برابر اين لغزشها، دو نوع است يكي آنكه خطاهایشان را سريع به آنان گوشزد كنند، و احيانا به تنبيه و سرزنش آنان پردازند و ديگر آنكه، ضمن داشتن حساسيت و توجه، به روش خطاپوشي و تغافل كه روشي درست و اثربخش است، روي آورند؛ چرا كه تغافل از اصول مهم تربيتي است؛ يعني والدين خود را به غفلت بزنند و چنان وانمود كنند كه خطاي فرزندشان را ندیده‌اند. چنانچه والدين

چنین رفتاری داشته باشند، امکان پشیمانی و بازگشت از خطا بیشتر است؛ اما اگر کودکان و نوجوانان در مقابل هر خطا و تقصیری با سرزنش و تنبیه والدین رو به رو شوند، احساس مجرم بودن کرده، چنان می‌اندیشند که دیگر اعتبار و ارزشی نزد والدین و بزرگسالان ندارند. این امر باعث می‌شود که در مراحل بعد نیز لغزش و خطا برایشان زشت نباشد و ارتکاب آن امری عادی شمرده شود. گذشته از این، سرزنش و تذکرهاي پياپي، بذر لجاجت را در وجود فرزند می‌افشاند و زمینه پذیرش اندرز را در او نابود می‌کند. امام زین‌العابدین (ع) به خاطر اهمیت اصل خطاپوشي و تغافل، این حق را مورد تأکید قرار داده و دو بار آن را بر زبان رانده است. آن بزرگوار فایده و سبب خطاپوشي را نیز بیان کرده، می‌فرماید: **پوشاندن لغزشهاي دوران کودکی و نوجواني به بازگشت آنان و پرهیز از خطا و لغزش می‌انجامد.**

رفق و ملاطفت با کودک

... **والرفق له. روحیه لطیف** کودک با اندک تندي و خشم، آزرده می‌شود. بنابراین، بزرگسالان، بویژه والدین، باید از گلهای زندگی خویش با لطافت و نرمی مراقبت کنند؛ با صبر و حوصله در برابر آزارهای کودکانه آنان عطوفت و ملاطفت نشان دهند و جز در موارد استثنایی نگاه تند و چهره خشمگین بدانان نشان ندهند.

کودکان فقراي درگاه بزرگسالان

... والمعونة له. کودکان کانون نیازمندی و فقرند. نیازهایشان فراوان و کمبودهایشان نمایان است. آنان در لحظه لحظه کودکی‌شان به حمایت و مراقبت والدین و بزرگترها نیازمندند. نیازهای جسمانی، نیازهای عاطفی، نیازهای روانی و... از آنان مسکینانی راستین ساخته است. آنها جز در پرتو کمک و حمایت بزرگترها و والدین قادر به رشد و تکامل و حتی ادامه حیات نیستند. بنابراین، بر بزرگسالان است که مستمندان درگاه خویش را یاری دهند و در رفع نیازمندیهای آنان بکوشند.

مدارا با کودک

... والمداراة له. ضرورت مدارا و تحمل رفتارهای ناسنجیده کودکان امری روشن است؛ چرا که آنان در طریق رشد و تکاملند، هنوز درکشان کامل نگشته، خوب و بد کارها را براحتی تشخیص نمی‌دهند، با آداب اجتماعی آشنا نیستند، ارزشها و ضد ارزشها برایشان بی‌معناست، خواسته‌ها و انتظاراتشان لباس منطق بر تن نپوشیده است و همچنان در خیالات و پندارهای کودکانه خویش غوطه‌ورند. کنجکاو و انرژی‌زیادشان اغلب آنان را به انسانهای شلوغ و پردردسر مبدل ساخته و اعمال و رفتار ناسنجیده و آزار دهنده را ویژگی طبیعی‌شان ساخته است. والدین و بزرگسالان باید این موقعیت کودکان را بدرستی درک کرده، با بردباری بسیار خود را برای تحمل کردار نادرست آنان آماده سازند تا از امتحان بزرگ و سخت دوران کودکی فرزندان سربلند برون آیند.

ترك لجاجت با كودك

... و ترك مباحكته فانه ادني لرشده. كودكان، به خاطر نداشتن آگاهي لازم و درك كافي، كمبودها و نقصهاي بسيار دارند. آنها چه بسا به لجاجت با والدين و بزرگسالان برخاسته، باعث آزار آنها ميشوند. در چنين موقعيتي بزرگترها بايد با كودكان مدارا كنند و از لجاجت و مخاصمه با آنان جدا بپرهيزند. طبق سخن امام سجاد (ع) اين روش براي رشد و هدايت كودكان مناسبتر است.

امام سجاد عليه السلام و تربيت فرزند (3)

اشاره

ائمه طاهرين در تربيت فرزندانشان شيوههاي مختلفي به كار ميبردند و در هر موقعيتي از شيوه اي مناسب بهره ميگستند. از سيره و سخنان امام ساجدين علي بن الحسين (ع) چنان برمي آيد كه آن حضرت از سه شيوه «تربيت الگويي»، «تربيت عملي» و «تربيت موعظه اي» بيشتر بهره ميبردند.

تربيت به شيوه الگويي

تربيت به شيوه الگويي عبارت است از ارائه الگوهاي مطمئن و شايسته براي اينكه فرزندان، رفتار و اخلاق آنها را سرمشق خويش قرار داده، در مسير تكامل و رشد بهتر، گام بردارند. بيترديد والدين، بويژه پدر، خود اولين الگوي فرزندان هستند و فرزندان رفتار و زندگي آنان را سرمشق خويش قرار ميدهند. واقعيت اين است كه والدين در امر تربيت چند دسته اند؛

برخي به كلي از وادي تربيت دورند و فقط در پي تأمين منافع حال و آينده خویشند. برخي به وادي تربيت قدم نهاده‌اند، اما راه و رسم تربيت را نمی‌دانند، گروهی به وادي تربيت قدم نهاده‌اند و راه و رسم تربيت را نیز تا حدودي می‌دانند ولي بی‌آنکه خود تربيت شده باشند، در پي آنند که فرزندانشان تربيت شوند. اندک والدینی هم هستند که ضمن فرا گرفتن راه و رسم زندگی، هم خود تربيت شده‌اند و هم به تربيت فرزندانشان اقدام می‌کنند. در این بحث، روي سخن ما با دسته سوم است که تربيت نشده، در پي تربيت دیگرانند. باید از سر سوز و با تمام وجود گفت که زهی خیال باطل! چقدر اشتباه است که والدینی خود طعم شیرین عبادت را نچشیده، راز ارتباط با خالق را نیافته باشند و از فرزندانشان انتظار این امور را داشته باشند. آنان که عمر را به بطالت و جوانی را به رذالت و سرمایه‌های مادی و معنوی را به خسارت در راه غیر خدا داده‌اند، چگونه انتظار تربيت فرزندانیک نام و صالح دارند؟ ذات نیافته از هستي بخش کی تواند که شود هستي‌بخش امام سجاد (ع)، بر اساس تربيت به روش الگویی، خود نمونه‌ای کامل برای فرزندان بود و با رفتار و اعمال شایسته خویش فرزندان را به طور غیر مستقیم و با زبان عمل تربيت می‌کرد. آن بزرگوار، بیش از آنکه با سخن و گفتار به تربيت فرزندان اقدام کند، با عمل آنان را به فضیلت و پاکی دعوت می‌کرد. جالب آن است که آن امام همام، که به حق زینت عابدان و سرور ساجدان شهرت یافته است، در مواعظ و وصایای متعددش کمتر فرزندان را به عبادت و سجده سفارش می‌کرد و گویا عمل پیوسته و دلنشین آن حضرت فرزندان را از هر سخن و موعظه‌ای در این

باره بی‌نیاز می‌ساخت. نمونه‌هایی از اعمال و رفتار حضرت، که راهنمای تربیتی فرزندان‌ش بود، چنین است: 1 - صاحب «کشف‌الغمة» می‌نویسد: آن حضرت دوست نداشت کسی در طهارت یاری‌اش کند. خودش برای وضو آب فراهم می‌کرد و شبها قبل از خوابیدن آب را آماده می‌ساخت، در نیمه شب بیدار می‌شد، ابتدا مسواک می‌زد و بعد وضو می‌گرفت و نماز می‌خواند. نمازهای مستحبی که در روز از او فوت می‌شد، شب قضا می‌کرد و می‌فرمود: فرزندانم، این نمازها بر شما واجب نیست؛ ولی دوست دارم هر کدام از شما که نفسش را بر کار خیری عادت داد، بر آن مداومت ورزد. ^[1] 2 - سعید بن کلتوم می‌گوید: من نزد جعفر بن محمد (ع) بودم که از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب یاد کرده، او را به آنچه سزاوار بود ستایش کرد و فرمود: ... هیچ یک از فرزندان‌ش در لباس و فقه از علی بن حسین به او شبیه‌تر نیست. فرزندش ابوجعفر بر او وارد شد. او به قدری عبادت کرده بود که کسی قادر بر آن نبود. ابوجعفر می‌گوید: او را مشاهده کردم در حالی که رنگش در اثر بیداری زرد شده و چشم‌هایش در اثر گریه زیاد، بسیار گرم شده بود. پیشانی‌اش بالا آمده و پره‌های بینی‌اش در اثر سجده گسسته شده بود. و ساق‌ها و قدم‌هایش به سبب ایستادن در حال نماز ورم کرده بود. وقتی او را در این حال دیدم، نتوانستم گریه خود را کنترل کنم و برایش گریستم. او در حال تفکر بود. اندکی پس از ورودم، متوجه من شد و فرمود: فرزندم، بعضی از صحیفه‌هایی را که در آن عبادت علی (ع) ثبت شده، به من بده. آنها را به او دادم. مقدار کمی از آنها را قرائت کرد. سپس با اندوه آنها را رها کرد و

فرمود: چه کسی بر عبادت علی بن ابی طالب قادر خواهد بود. [2] . 3 - جابر جعفی از امام باقر (ع) چنین نقل کرد: پدرم علی بن حسین (ع) نعمتی از پروردگار را یاد نمی‌کرد، مگر آنکه سجده می‌کرد؛ آیه‌ای از آیات سجده را تلاوت نمی‌کرد، مگر آنکه سجده می‌کرد، خداوند هیچ بلای ترسناک و کید دشمنی را از او دفع نمی‌کرد، مگر اینکه سجده می‌کرد؛ از هیچ نماز واجبی فارغ نمی‌شد، مگر آنکه سجده می‌کرد؛ هیچ اصلاح و آشتی بین دو نفر ایجاد نمی‌کرد، مگر آنکه به خاطر موفقیت در آن سجده می‌کرد؛ اثر سجده در تمام مواضع سجود او نمایان بود و بدین علت او را «سجاد» نامیده‌اند. [3] . 4 - امام باقر (ع) فرمود: **علی بن حسین (ع) شبها کیسه نان را بر دوشش می‌گذاشت و [به مستمندان] صدقه می‌داد. 5 - آن حضرت همچنین فرمود: پدرم علی بن حسین (ع) اموالش را دو بار [بین مستمندان] تقسیم کرد. [4] .**

تربیت شیوه عملی

اشاره

امام چهارم (ع) با واگذاری مسؤلیت به فرزندان، شرکت دادن آنها در فعالیتهای پسندیده و بردن آنها به مجالس و مکانهای مناسب به طور عملی به تربیت آنان می‌پرداخت و بر کار آنان نظارت می‌کرد. در اینجا به جلوه‌هایی از این شیوه اشاره می‌کنیم:

آموزش احترام به بزرگترها

ابن زبیر محمد بن مسلم مکی می‌گوید: «ما نزد جابر بن عبدالله بودیم که علی بن حسین (ع) در حالی که فرزند خردسالش محمد (ع) همراهش بود، نزد جابر آمد. علی بن حسین به فرزندش فرمود: «**قبّل رأس عمك**» صورت عمویت [جابر] را ببوس. محمد بن علی (ع) نزد جابر آمد و صورت او را بوسید. جابر که نابینا بود، پرسید: او کیست؟ علی بن حسین (ع) فرمود: پسر محمد است. جابر محمد را در آغوش گرفت و گفت ای محمد، رسول خدا (ص) تو را سلام می‌رساند. به او گفتند: ای جابر، چگونه رسول خدا (ص) سلام می‌رساند؟! گفت: من نزد رسول خدا (ص) بودم و حسین (ع) در آغوشش بود و با او بازی می‌کرد. به من فرمود: ای جابر، برای فرزندم حسین (ع) فرزندی خواهد بود که او را علی می‌نامند، وقتی روز قیامت برپا شد منادی ندا می‌دهد که سرور عابدان برخیزد؛ و علی بن حسین (ع) برمی‌خیزد. برای علی فرزندی خواهد بود که نامش محمد است؛ ای جابر، هر گاه او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان...».^[5]

همراهی در محکمه قضاوت

ابوبصیر نقل کرده است: «ابوجعفر (ع) به من فرمود: زنی از خوارج «که گمان می‌کنم فرمود از بنی‌حنیفه است» نزد پدرم بود. یکی از دوستان پدرم به او گفت: ای پسر رسول خدا (ص)، نزد تو زنی است که از جدت [علی(ع)] براءت می‌جوید. پدرم او را طلاق داد. او ادعای مهر کرد [ظاهراً حضرت قبلاً مهرش را پرداخته بود] و نزد حاکم مدینه از پدرم شکایت کرد. حاکم مدینه به پدرم گفت: ای علی [بن حسین]، یا سوگند یاد کن و یا مهرش را بده. پدرم به من [که همراه او در محکمه بودم] فرمود: فرزندانم، چهار صد دینار به او بده. گفتم: ای پدر، فدایت گردم؛ مگر حق با تو نیست؟ فرمود: آری فرزندانم؛ ولی خداوند را جلیل‌تر از آن می‌دانم که به او سوگند یاد کنم.»^[6]

کلاس درس عذرخواهی

ابوبصیر از امام باقر (ع) نقل کرده است که فرمود: «پدرم غلامش را به دنبال کاری فرستاد؛ ولی او در انجام کار کوتاهی کرد. پدرم وی را تنبیه کرد. غلام ناراحت شد و گلایه کرد. پدرم به خاطر این کار ناراحت شد و گریست. آنگاه فرمود: فرزندانم، نزد قبر رسول خدا (ص) برو و دو رکعت نماز بخوان و بگو «اللهم اغفر لعلي بن الحسين»؛ خدایا در قیامت علی بن حسین را ببخش. سپس به غلام فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی...»^[7] [ذکر این نکته ضروری است که طلب استغفار منافات با مقام عصمت حضرت ندارد زیرا حضرت گناهی مرتکب نشد تا نیاز به استغفار داشته باشد، لکن مقام

والاي آن حضرت ايشان را بر آن داشت كه
براي همين اندازه عمل غير گناه نيز
استغفار كند.]

همراهي در حمام

گاهي اوقات حضرت فرزند خود را به حمام
ميبرد و اين عمل [در صورت كودك بودن
فرزند] علاوه بر آنكه نشان دهنده توجه
حضرت به مسایل خانواده و كمك به همسر در
امور خانواده است، يك رفتار تربيتي است؛
زيرا عملا به فرزند خود اهميت بهداشت و
آداب حمام رفتن را ميآمोخت. حنان بن
سدير از پدرش چنين نقل كرد: «من همراه
پدرم و جد و عمويم به حمامي در مدينه
رفتيم. در حمام شخصي ما را به رعايت ستر
و پوشش تذكر داد. او با جدم صحبت كرد و
به او گفت: چرا خضاب نميكني... بعد از
حمام كردن، درباره وي پرسيدم و دريافتم
كه او علي بن حسين است كه با فرزندش
محمد حمام آمده است. **«فاذا هو علي بن الحسين و معه ابنة
محمد بن علي صلوات الله عليهم»**. [8]. نمونه هاي كه
ذكر شد، نشان ميدهد كه حضرت با همراه
بردن فرزند خود به مجالس و مكانهاي
مختلف، واگذاري مسؤوليت به وي و شركت
دادن او در فعاليتهاي سياسي به تربيت
عملي او اقدام ميكرد و اين شيوه در
تربيت بس مفيد و مؤثر است؛ زيرا بسياري
از نقاط ضعف و قوت اخلاقي و غير اخلاقي
فرزندان و نيز استعدادها و توانمنديهاي
آنان در ميدان عمل آشكار ميشود. چه بسا
فرزندان استعدادها و نقاط قوت ناشناخته
داشته باشند و يا از عيوب و ضعفهاي
پنهان رنج ببرند؛ شركت دادن فرزندان در
فعاليتهاي مناسب و نظارت درست بر كار
آنان والدين را از اين امور آگاه
ميسازد.

تربیت به شیوه موعظه

هر چند تربیت عملی و غیرمستقیم مؤثرتر است؛ اما موعظه و نصیحت فرزندان نیز یک شیوه تربیتی مؤثر و مفید است و گاهی آثاری دارد که از تربیت غیر مستقیم برنمی‌آید، موعظه و نصیحت اگر بجاء، منطقی، با لطافت و نرمی و از سر سوز و خیرخواهی باشد، باعث ایجاد الفت و صمیمیت بین والدین و فرزند می‌شود. زیرا فرزند احساس می‌کند والدین او را دوست دارند، با او صمیمی‌اند و برای او احترام و اهمیت قایلند؛ بویژه اگر والدین قبل از آن محبت بی‌شائبه و دلسوزی صادقانه خود را نسبت به او نشان داده باشند. موعظه و نصیحت به وقت خاصی اختصاص ندارد. متأسفانه برخی از والدین فقط هنگامی که فرزندان شان مرتکب خلاف می‌شوند به فکر نصیحت می‌افتند. غافل از آنکه موعظه نهی از منکر نیست و غالباً در هنگام ارتکاب خلاف و بعد از آن تأثیر مطلوب ندارد. موعظه باید قبل از ارتکاب خلاف و برای پیشگیری از آن باشد نه وسیله‌ای برای درمان. امام سجاد (ع) در فرصتهای مناسب به نصیحت فرزندان می‌پرداخت و نکات لازم را به فرزندان گوشزد می‌فرمود. نمونه‌هایی از مواعظ آن حضرت به فرزندان چنین است: 1 - مالک بن اعین جهنی می‌گوید: علی بن حسین (ع) فرزندش محمد (ع) را چنین وصیت فرمود: من تو را جانشین بعد از خود قرار دادم. هر کس ادعای آنچه بین من و تو است [مقام امامت] کند، خداوند در روز قیامت حلقه‌ای از آتش بر گردنش می‌آویزد. آنگاه فرمود: فرزندانم؛ خداوند را بر این نعمت ستایش کن و سپاسگزار باش. فرزندانم، هر که بر تو

انعام کرده، سپاسگزاری کن و بر هر که از تو سپاسگزاری کرد، انعام کن؛ زیرا نعمتی که شکرش را به جا آوری از بین نمی‌رود و نعمتی که کفران ورزی باقی نمی‌ماند. شکر نعمت برای شکرکننده از خود نعمت با برکت تر است. سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «**لأن شکرتم لازیدنکم و لان کفرتم ان عذابی لشدید**» (ابراهیم / 7)؛ اگر شکر نعمت کنی، نعمتت افزون می‌گردد و اگر کفران ورزی، بدان که عذاب الهی شدید است. ^[9] . 2 - آن حضرت به فرزندش محمد (ع) فرمود: هر که از تو طلب خیر کند، به او خوبی کن؛ اگر او از اهل خیر باشد، خوبی را در جای خودش انجام داده‌ای و اگر او اهلش نباشد، تو اهلش هستی. هر گاه کسی در جانب راست به تو دشنام داد و به جانب چپ تو آمد و معذرت خواست، عذرش را بپذیر. ^[10] . 3 - همچنین به فرزندش فرمود: از آزار دیگران بپرهیز و با ریزش عطایا آنان را نوازش کن. زبان را بر سکوت کمک کن؛ زیرا برای سخن گفتن حالاتی است که موجب زیان‌ش می‌شود. از دوستی با احمق بپرهیز، هر چند دوست باشد؛ همچنان که از عاقل در صورت دشمن بودن، پرهیز می‌کنی. از خصومت و ستیز با مردم برحذر باش؛ زیرا یا به مکر شخص حلیم و پرحوصله‌ای دچار خواهی شد و یا با فرومایه‌ای روبه‌رو می‌شوی که آسیب ناگهانی بر تو وارد می‌کند. ^[11] . 4 - همچنین در کلام دیگری خطاب به فرزندش فرمود: از دروغ گفتن، کوچک و بزرگش، جدی و شوخی‌اش بپرهیز؛ زیرا اگر انسان دروغ کوچک بگوید بر دروغ بزرگ نیز جسارت پیدا می‌کند.

^[12] . 5 - عثمان بن خالد از پدرش نقل کرده که: علی بن الحسین در بیماری که به وفاتش انجامید، فرزندانش، محمد، حسن، عبدالله، عمر، زید و حسین را گرد آورد،

فرزندش محمد را کنیه [لقب] باقر داد، سرپرستی فرزندان را به او سپرد و فرمود: فرزندانم، خرد راهنمای روح است و دانش رهنمای خرد و خرد ترجمان دانش است. بدان که علم جاودانی‌تر است و زبان بیهوده گو تر؛ و صلاح تمام امور دنیا به منزله پیمانۀ پری است که دو سوم آن هوشیاری و ذکاوت و یک سوم آن تغافل و چشم پوشی است؛ زیرا انسان جز از چیزی که شناخته و درک کرده، تغافل نمی‌کند. بدان که گذشت ساعتها عمر تو را می‌برد و تو هرگز به نعمتی دست پیدا نمی‌کنی، مگر با جدا شدن از نعمت دیگر. برحذر باش از آرزوی دراز، زیرا چه بسیار آرزومندی که به آرزوی خود نرسد... [13]. 6 - ثمالی از امام باقر (ع) چنین نقل کرد که: هنگامی که وفات پدرم علی بن حسین (ع) فرا رسید مرا به سینه خود چسبانید و فرمود: فرزندانم، وصیت می‌کنم تو را به آنچه پدرم هنگام وفات، مرا وصیت کرد... بپرهیز از اینکه ستم کنی بر کسی که جز خداوند را برای حضرت خویش نیابد. [14] و نیز فرمود: بر کار حق صبر کن، اگر چه تلخ باشد. [15]. 7 - آن حضرت به فرزندش فرمود: فرزندانم در گرفتاریها شکیبا باش و معترض حقوق دیگران نشو و برادرت را در کاری که زیانش بر تو بیش از منفعتش برای او باشد اجابت نکن. [16]. این حدیث طبق نقل صاحب عقدا لفرید به جای عبارت «لا تتعرض للحقوق» «لا تعرض للحقوق» و به جای «منفعته له» «منفعته لك» دارد و معنای حدیث چنین می‌شود: فرزندانم... خود را در معرض هلاکت قرار مده و برادرت را در کاری که زیانش برای تو از نفعش بیشتر است اجابت نکن. [17].

پاورقي

- [1] كشف الغمة، ج 2، ص 287.
- [2] الارشاد، ص 256؛ بحار، ج 46، ص 74 و 75؛ كشف الغمة، ترجمه آقاي حسيني زوارثي، ج 2، ص 279.
- [3] حلية الابرار، ج 2، ص 13 و 14؛ بحار الانوار، ج 46، ص 99.
- [4] همان، ص 154.
- [5] كشف الغمة، ج 2، ص 331.
- [6] حلية الابرار، ج 2، ص 20 و 21.
- [7] بحار الانوار، ج 46، ص 92، ج 79؛ حلية الابرار، ج 2، ص 44.
- [8] بحار، ج 46، ص 141 - 142.
- [9] همان، ص 241 و 242.]
- [10] تحف العقول، ص 205؛ مشكاة الانوار، ص 65.
- [11] ناسخ التواريخ، زندگاني امام سجاد (ع)، ج 2، ص 3 و 4.
- [12] همان.
- [13] بحار، ج 46، ص 231 و 232؛ كتاب الامام زين العابدين، عبدالرزاق مقرم، ترجمه حبيب روحاني، ص 588.
- [14] بحار، ج 46، ص 153 و 154.
- [15] ناسخ التواريخ، زندگاني امام سجاد (ع)، ج 2، ص 6.
- [16] بحار، ج 46، ص 95؛ مناقب آل ابیطالب، ج 4، ص 165؛ البيان و التبيين، جاحظ، ج 2، ص 59.
- [17] عقد الفريد، اندلسي، ج 3، ص 153.

فهرست مطالب

2	تربیت از دیدگاه امام سجاد علیه السلام
3	حق فرزند
3	فرزند، پاره تن انسان
4	فرزندان مایه افتخار یا ذلت والدین
5	مسئولیت والدین
5	محورهای مسئولیت
6	شیوه ایفای مسئولیت
6	پاداش و کیفر مسئولیت
7	نمایاندن آثار اعمال نیک به فرزند
7	نظارت بر رفتار فرزند
8	بهره‌گیری از استعدادهاي فرزند در تربیت
8	استمداد از پروردگار در تربیت
9	حق خردسال
9	مهربانی
10	تربیت کودک
10	تعلیم و آموزش کودک
11	عفو
11	خطا پوشی و تغافل
12	رفق و ملامت با کودک
13	کودکان فقراي درگاه بزرگسالان
13	مدارا با کودک
14	ترك لجاجت با کودک
14	امام سجاد علیه السلام و تربیت فرزند
14	تربیت به شیوه الگویی
17	تربیت شیوه عملی
18	آموزش احترام به بزرگترها
19	همراهی در محکمه قضاوت
19	کلاس درس عذرخواهی
20	همراهی در حمام
21	تربیت به شیوه موعظه
25	فهرست مطالب